

فوتبال و کشف علائم تغییرات فرهنگی

دکتر حمید عبداللهیان

استادیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

نویسنده پدیده فوتبال را بعنوان جریان فرهنگی مورد مطالعه قرار می دهد. در همین چارچوب به کارکردهای اجتماعی - فرهنگی ورزش فوتبال در ایران می پردازد. مقاله حاضر با طرح مفهوم بین رشته ای بودن پدیده فوتبال (پیامدها و آثار جنبی آنها) و ارتباط آن با سطوح زبان شناختی، انسان شناختی و ... در ایران معاصر سعی می کند تبیینی از چگونگی تعامل رفتاری (فردی و اجتماعی) در میان طرفداران فوتبال ارائه کند.

واژگان کلیدی: تغییرات فرهنگی، جریان فرهنگی، متنی بودن، الگوهای رفتاری، نظامهای سمبلیک.

ژرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در مقاله حاضر، اتفاقات حاشیه‌ای ورزش فوتبال را به مثابه وجه رفتاری کنش اجتماعی طرفداران و برآیند نیازهای ارزشی و فرهنگی نسلها قلمداد می‌کنیم و معتقدیم که این نیازها در نهایت به جریانهای تغییر فرهنگی در ایران کمک می‌کنند*. موضوع مورد بحث از این جا شروع شد که در سال ۱۳۷۹ برخوردهایی در بازیهای داخلی باشگاهها در تهران رخ داده بود ولی اندکی قبل از همان زمان مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران این نیاز را احساس کرده بود که فوتبال فقط به عنوان یک ورزش مطرح نیست و باید به عنوان یک پدیده اجتماعی - فرهنگی مورد مطالعه قرار گیرد. بنابراین قبل از این برخوردها، همایش خشونت در فوتبال از طرف این مؤسسه در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد و هدف آن ارائه راهکارهای نظری (و نه صرفاً پدیدارشناسانه نظیر تعریف اسلاشر)** در حوزه جامعه‌شناسی بود به گونه‌ای که این راهکارها به تبیین ارتباط فوتبال و خشونت در آن را با تغییرات اجتماعی - فرهنگی تبیین کنند. تا آن زمان در ایران چنین مطالعه و یا تلاش آکادمیک به منظور نظریه‌پردازی در این حوزه صورت نگرفته بود تا اینکه تخریب‌های بعد از بازیهای فوتبال چنین ضرورتی را ایجاد کرد*** به گونه‌ای که امروز این ضرورت به شکل واقعی‌تری احساس می‌شود. من در این مقاله سعی می‌کنم هم ابزار فهم پدیده فوتبال بعنوان یک جریان فرهنگی را ارزیابی کنم تا به مسأله شناسی بومی ایران کمک کنم و هم مبانی معرفتی برخورد نظری با پدیده فوتبال و حوادث حاشیه‌ای آن را فراهم سازم. این بحث بخصوص از این نظر مهم است که متنی بودن^۱ پدیده فوتبال و حوادث حاشیه‌ای آن را برای ساخت، تقویت و یا بازسازی هویت

* ادواردز (Edwards, 1975) در بخش سوم از کتاب "جامعه‌شناسی ورزش" خود به ورزش و تاثیر آن بر تغییرات اجتماعی - فرهنگی در جامعه آمریکا در سالهای دهه ۱۹۷۰ میلادی پرداخته است. در اینجا تاثیر ورزش در دوران ایران معاصر بر شکل‌گیری سبک زندگی و عکس آن مورد توجه است.

** نگاه کنید به Slusher در (Snyder and Spreitzer, 1978)، ص ۱۱.

*** اصولاً مطالعه در این زمینه در سایر کشورها از جمله انگلیس نیز تنها از سال ۱۹۶۰ به بعد شروع شد (Giulianotti, 1994).

طرفداران فوتبال آشکار می‌کند (نگاه کنید به پینی ۱۹۹۷)*.

سؤال این است که چرا ورزش فوتبال، زمینه‌ای است که خشونت بی‌هدف** در آن نهادینه شده است؟*** برای پاسخ به این پرسش ابتدا به این می‌پردازیم که ورزش فوتبال چه کارکردهای اجتماعی - فرهنگی در ایران امروز پیدا کرده است.

فوتبال، هویت و جهان زیسته ایرانی

بر اساس قضایای نظری مطرح در جامعه شناسی دهه ۱۹۹۰ میلادی، رخدادهای حاشیه‌ای فوتبال (حداقل به لحاظ شکلی) از یکسو رخدادهای غیر تصادفی، و الگومند و پایدارند، و از سوی دیگر ریشه در پویایی فرهنگی در سطح خرد (فرد و گروه) و کلان (جامعه) دارند. از این رو در حیطه بحث مسائل اجتماعی - فرهنگی در جامعه شناسی قرار می‌گیرند****. وقتی در سال ۱۳۷۶ و پس از پیروزی تیم فوتبال ایران بر استرالیا شادی‌های خیابانی اتفاق افتاد، برخی از نخبگان محافل دانشگاهی و روشنفکران، آن را ارتقاء و ویژگیهای

. پینی در باره ساخت "خود" در پدیده ریو (Rave) در انگلیس همین فرایند نظری را دنبال کرده است (Pini, 1997).

** خشونت و حوادث خشن و حاشیه‌ای در بازی فوتبال را در اینجا به معنای مجموعه رفتارهای آسیب شناسانه تلقی نمی‌کنیم چرا که اینگونه رفتارها ضرورتاً جهت‌گیری ضد اجتماعی یا جهت‌گیری سیاسی ندارند. به همین دلیل این نوع خشونت‌ها را بی‌هدف دسته‌بندی کرده‌ایم و همانطور که نشان خواهیم داد بروز این رفتارها ریشه در مشخصه‌های روانشناسی این گونه اجتماعات دارند. به عبارت دیگر، در شرایط خاصی روی می‌دهند که حاکی از فشار جمع است و برخلاف شکل آنها، محتوایی بیشتر آنی و گذرا دارند تا پایا و مستمر.

*** در این زمینه، صدر (۱۳۷۹) با رویکردی توصیفی به جمع‌آوری و نگارش جریانهای اصلی تاریخ فوتبال ایران و عمدتاً اروپا پرداخته که بخشی از آن به برخوردهای باشگاهی در ایران نیز مربوط است.

**** جنبه‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی ورزش به معنای عام آن قیلاً توسط افرادی نظیر:

(1978) Snyder and Spreitzer; (1975) Edwards; (1994) Giulianotti (به عنوان سه مثال) در اروپا و آمریکا مورد توجه قرار گرفته ولی اینکه در ایران به ورزش و فوتبال چگونه بنگریم؟ سؤالی است که نیاز به بحث بومشناسی نظری در حوزه جامعه‌شناسی معاصر دارد. این مقاله با طرح مفهوم بین رشته‌ای بودن پدیده جامعه‌شناختی فوتبال و ارتباط آن با سطوح زبان‌شناختی، انسان‌شناختی، و ارتباطاتی در ایران معاصر سعی می‌کند به پیشبرد این بحث کمک کند.

مربوط به هویت ملی در قلمرو جامعه جهانی قلمداد کردند*. ولی به موازات اهمیت یافتن تیم ملی فوتبال در میان مردم، جریان حاشیه‌ای فوتبال از ارتباط مستقیم با ارتقاء ویژگی‌های هویت ملی فاصله گرفت و در سطح خشن‌تری در جریان بازی‌های باشگاهی ادامه یافت. تمهیدات اتخاذ شده قبل از بازی دو تیم پیروزی و استقلال در دی ماه سال ۱۳۸۰ نیز اهمیت نهادین و زمینه بالقوه شکل‌گیری خشونت را بهتر نشان داد و این تمهیدات نیز برای جلوگیری از به فعل درآمدن این زمینه بود. بدین ترتیب دو الگوی رفتاری نهادینه شده در رخداد‌های حاشیه‌ای فوتبال در ایران مستمر و پایدار شده است:

۱) **علاقتمندی به موفقیت تیم ملی فوتبال:** این علاقتمندی به شکل الگوی احساسی-رفتاری و دوگانه خوشحالی - غمگینی، تثبیت شده و مکرراً اتفاق افتاده است**. حجم عظیم طرفداران تیم ملی به خوبی نشان می‌دهد که جهان زیسته ایرانی پس از هر بازی تیم ملی تحت تأثیر الگوی رفتاری دوگانه خوشحالی - غمگینی قرار دارد. به عنوان مثال، جنبه‌های افسردگی و غمگینی اجتماعی پس از بازی ایران و بحرین که به ناکامی تیم ایران انجامید جزئی از جریان حیات اجتماعی در پاییز سال ۱۳۸۰ شده بود. از آنجا که این الگوی رفتاری تصادفی نبوده و به عنوان یک واقعیت اجتماعی غیر تصادفی در فرهنگ معاصر ایران نمودار شده است، علم جامعه‌شناسی را مجاب می‌کند که این الگو را مشمول مطالعات نظری و روش شناختی خود بدانند.

۲) **علاقتمندی به تیمهای باشگاهی:** این علاقتمندی از شکل سنتی حضور در ورزشگاهها (نگاه کنید به صدر ۱۳۷۸) و تشویق از یک سو و تعارضات زبانشناختی از سوی دیگر بیرون آمده و جنبه رفتاری خشونت آمیز متمایل به وندالیسم به خود گرفته است. نتیجه مشاهده مستقیم اینجانب در جریان بازی‌های باشگاهی حاکی از آن است که تخریب اتوبوسها و تابلوهای راهنمایی، بیشترین موضوع تحرکات وندالیستی بوده‌اند. از آنجا که طرفداری از فوتبال باشگاهی به قطبی شدن^۱ جریانهای بازی منجر شده است لذا به مثابه یک الگوی رفتاری قابل مطالعه در حیطه جامعه‌شناسی در آمده است. به عبارت دیگر، اتفاقات حاشیه‌ای فوتبال

* Gerhart (۲۰۰۲) ساله هویت و فوتبال ایرانی را با مکانیسم‌های ارتباط جمعی مرتبط کرده مورد بحث قرار می‌دهد.

** نگاه کنید به مجله "فوتبال" جلد اول، بهمن و اسفند ۱۳۸۰.

باشگاهی نیز یک تصادف محسوب نمی‌شود و ریشه در شکل‌گیری‌های اجتماعی معاصر ایران داشته است. بنابراین یک الگوی قابل تکرار است که باید از منظر جامعه‌شناسی بدان پرداخته شود. بخصوص آنکه طرفداران فوتبال باشگاهی حتی بازیهای ملی را به تناسب موفقیت یا عدم موفقیت تیم ملی به عملکرد غلط یا درست بازیکنان خودی و غیر خودی نسبت می‌دهند (مشاهده مستقیم مشاهده‌گران اینجانب در بازی ایران و ایرلند مؤید این مطلب است). اما این الگوهای رفتاری، نیروهای اجتماعی و ابزار ارتباطی خود را نیز بوجود آورده‌اند. مثلاً نشریات ورزشی عمدتاً در ارتباط با دو دسته از طرفداران دو تیم تهرانی شکل گرفته‌اند و اکثر مطالب و مباحث ورزشی حول مسائلی مطرح است که بر این دو باشگاه می‌گذرد. بطوریکه حتی در برنامه‌های ۹۰ تلویزیون هم یکی دو جلسه به مباحث حاشیه‌ای باشگاه پیروزی پرداخته شد. ترکیب طرفداران تیم‌های باشگاهی نیز جالب توجه است^{۳۰}. به لحاظ سنی اکثر طرفداران باشگاهها را جوانان زیر ۲۵ سال تشکیل می‌دهند که جمعیت عظیمی از آنان را نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال تشکیل می‌دهند^{۳۱}. اما به لحاظ جنسی ابهامات فراوانی در خصوص تعیین طرفداران فوتبال باشگاهی مشاهده می‌شود. از جمله آنکه مرجعی برای بروز احساسات زنان طرفدار تیمهای ورزشی بخصوص فوتبال موجود نیست. پژوهشهایی که در باره جنسیت تماشاگران مسابقات ورزشی انجام شده نیز نشان می‌دهد که ۷۹/۲ درصد از تماشاگران اینگونه مسابقات را مردان تشکیل می‌دهند (رجب‌زاده ۱۳۸۱، ص ۱۹). این امر سبب می‌شود که ورزش فوتبال نیز چه از منظر ملی‌گرایی و چه از منظر فوتبال باشگاهی، ورزشی مردانه تلقی می‌شود در حالیکه یک نیروی اجتماعی قویاً زنانه نیز در جریانهای پنهان فوتبال ملی و باشگاهی به عنوان یک واقعیت اجتماعی مشارکت دارد. بعداً خواهیم گفت این غیبت رفتاری زنان چه عواقب اجتماعی در بروز خشونت داشته است.

*. برای بحث در باره رفتار تماشاگران (نک، به Giulianotti et al., 1994).

** عنبری (۱۳۸۰) معتقد است که ۴۰ درصد از تماشاچیان فوتبال ۱۰ تا ۱۹ سال و ۴۲ درصد از آنان ۲۰ تا ۲۹ سال سن دارند. رجب‌زاده (۱۳۸۱: ۱۹). جدول ۱۴ سطر آخر) در سطحی عام‌تر از تماشاگری فوتبال و در پژوهشی در ۲۸ مرکز استان کشور نشان می‌دهد که سن حدود ۵۳/۶ درصد از تماشاگران مسابقات ورزشی زیر ۱۸ است. او همچنین نشان می‌دهد که سن ۷۵ درصد از کسانی که به تماشای فعالیتهای ورزشی می‌پردازند زیر ۲۵ سال است. مقایسه این آمار عنبری و رجب‌زاده و اینکه اگر آمار تماشاگران مسابقات ورزشی را که توسط رجب‌زاده فراهم شده تا ۲۹ سال اضافه کنیم، نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد از تماشاگران فوتبال را مردان جوان زیر ۲۹ سال تشکیل می‌دهند. در پژوهش رجب‌زاده ۷۹/۲ درصد تماشاگران مرد هستند (همان).

نکته دیگر آنکه خشونت ورزشی، طرفداری از فوتبال را محدود به مردان و سنین ۱۲ تا ۱۸ کرده است. به عبارت دیگر، نهادینه شدن خشونت در فوتبال دیگر طرفداران فوتبال را به ورزشگاهها هدایت نمی‌کند بلکه گروههای سنی و جنسی خاصی (مردان زیر ۲۰ سال) را به ورزشگاهها می‌کشاند که توانایی، حوصله و زمینه‌های روانی و اجتماعی مشارکت در جریانهای خشونت‌بار هیجان‌آور را دارند.

جدای از آنچه که در داخل کشور در زمینه ورزش فوتبال می‌گذرد، در خارج نیز طرفداری از فوتبال ملی احساس افتخار و غرور ملی را در ایرانیان خارج از کشور باز تولید کرده است (نگاه کنید به صدر ۱۳۷۹). این امر یک جنبه مثبت اجتماعی داشته است چرا که وحدت ملی و احساس سرنوشت مشترک را تنها در بین ایرانیان ساکن در کشور تقویت نکرده است بلکه پیوستگی میان ایرانیان خارج از کشور را نیز با جریانهای شکل‌گیری هویت ملی در داخل ایجاد کرده است. از این نظر نیز فوتبال یک امر جامعه‌شناختی تلقی می‌شود که در جریان بازتولید هویت ملی و ایجاد پیوند بین نیروهای اجتماعی نقش مؤثر داشته است.

بالاخره آنکه همیشه یک فضای ایدئولوژیک بر رفتارهای کنشگران در حوزه ورزش فوتبال حاکم بوده که این رفتارها را توجیه، مشروع و بازتولید کرده است. فضای ایدئولوژیک، مجموعه باورهایی است که در رفتارهای گروهی مطرح و مقبول می‌افتد و سپس در ورزشگاهها منتشر می‌شود^۵. از جمله می‌توان به اعتقادات طرفداران فوتبال درباره بازیکنان تیم‌های رقیب اشاره کرد که اغلب، آنها را به لحاظ طبقاتی یا اعتقادی گروه‌بندی کرده و نسبتهای غیر واقعی و خود ساخته را به بازیکنان و باشگاهها منسوب می‌کنند^۶. جالب آنکه تیم ملی فوتبال به شکل نماد^۱ هویت ملی، عمدتاً متأثر از عملکرد دو باشگاه پیروزی و استقلال بوده است و در نتیجه موفقیت یا عدم موفقیت تیم ملی همیشه برخوردهایی را در پایان بازی بین طرفداران دو تیم باشگاهی با توسل به جریانهای ایدئولوژیک فوق ایجاد کرده است.

از این منظر، یکی از علل بروز تنش‌های خیابانی، بخصوص بعد از نتایج ناموفق تیم ملی، به توجیهی بر می‌گردد که طرفداران تیم‌های باشگاهی نسبت به عملکرد بازیکنان تیم‌های

*. بوردیو (۱۳۷۸) نیز به رابطه ایدئولوژی و عمل ورزشی اشاره کرده است.

*. برخورد بوردیو (۱۳۷۸) در این زمینه معطوف به این بحث است که فلسفه‌های لذت‌پرستانه و ریاضت‌کشان در تعارض با هم به پردازش هویت هاکمک می‌کنند ولی در اینجا این نکته را اضافه می‌کنیم که در ایران معاصر "انتقالی بودن جامعه" مانع از فهم فرقه‌های ورزشی به شیوه بوردیو است.

باشگاهی در تیم ملی ارائه می‌کنند. این توجیه‌ها اغلب جنبه ایدئولوژیک داشته و صرفاً مورد قبول جریانهای قطبی‌شده اجتماعی قرار می‌گیرد و زمینه را برای مخالفت با این جنبه‌های ایدئولوژیک از سوی طرفداران رقیب فراهم می‌آورد.

عناصر فوق نشان می‌دهند که بازی فوتبال در ایران از ویژگیهای بومی و منحصر به فردی برخوردار شده است که آن را تنها به عنوان یک ورزش نمی‌توان قلمداد کرد؛ بلکه با یکدیگر تعامل داشته و رفتار کنشگران را شکل و هدف می‌دهند. عناصری نظیر جریانهای اجتماعی-سیاسی تاریخ ایران و نیز دخالت بازیکنان تیم‌ها در دامن زدن به ایدئولوژی تعارض در شکل دهی به رفتار کنشگران به‌عنوان جریانهای طرفدار تیم‌های باشگاهی و تیم ملی نقش دارند. اما این عناصر را می‌توان در سایر کشورها نیز پیدا کرد و بنابراین منحصر به ایران نمی‌باشد (نگاه‌کننده به ادواردز ۱۳۷۳؛ وانل ۱۹۹۵؛ جولینوتی ۱۹۹۴). آنچه در ایران به عنوان یک پدیده منحصر به فرد در آمده عبارت است از شکل‌گیری طرفداری از فوتبال باشگاهی و ملی که تحت تأثیر عناصر ایدئولوژیک، اجتماعی، فرهنگی رخ می‌دهد. هدف از این شکل‌گیری، بازسازی شخصیت کنشگران در جریانهای تنش‌زای خیابانی بعد از بازی فوتبال است.

بنابراین به لحاظ نظری نمی‌توان ناآرامی‌های بعد از بازی فوتبال را صرفاً یک امر آسیب‌شناختی تلقی کرد. چرا که هنجارهای غالب در خصوص رفتار کنشگران با عناصر فوق‌الذکر پیوند خورده است. خشونت‌های فوتبال اگر چه وجه آشکارش تخریب اموال عمومی است ولی ضدیتی با منافع عمومی ندارند و به همین دلیل از ابتدا آن را خشونت بی‌هدف دسته‌بندی کردیم. ویژگیهای سنی تماشاگران فوتبال در استادیوم‌ها نیز مؤید این امر است که جریانهای طرفداری از فوتبال به گونه‌ای شکل گرفته که تنها گروههایی را به ورزشگاهها می‌کشاند که نه تنها فرایند اجتماعی شدن را به پایان نبرده‌اند - لذا هنجارها را به درستی نمی‌شناسند - بلکه فاقد قابلیت‌های اجتماعی برای درک ویژگیهای فرهنگی جامعه عام می‌باشند. بنابراین مکانیزمهای کنترل اجتماعی نیز در میان آنها عمل نمی‌کند. گذشته از این، گروههایی که به ورزشگاهها می‌روند تحت تأثیر مکانیزمهایی هستند که هنجار شکنی را ارزش فرهنگی و

*. خونه‌ل‌رای اسپانیایی که یک روزنامه‌نگار غیر ورزشی است در پایان دیدار خود از ایران در اکتبر ۲۰۰۱ مشاهدات خود را تحت عنوان یک ایران مارادونا چنین منعکس می‌کند که انگار در ایران اگر هیچ سرگرمی نباشد ولی در خیابانها و کوچه‌ها بسیاری مشغول بازی فوتبال‌اند (نقل در مجله بین‌المللی فوتبال، دوره جدید، شماره یک).

تخریب را نوعی فرصت یا فرجه آزادی عمل بعنوان کنشگران فعال در حوزه فرهنگ جمعی تلقی می‌کنند. برای مستدل کردن این امر به وجوه انسان‌شناسانه، زبان‌شناسانه، ارتباطاتی و مشارکت جویانه پدیده فوتبال و حوادث حاشیه‌ای آن نیز اشاره می‌کنیم. این امر همچنین ما را قادر می‌سازد تا نشان دهیم فهم پدیده فوتبال صرفاً با ابزار جامعه‌شناختی میسر نمی‌شود.

خصلت چند وجهی پدیده فوتبال در ایران

از بعد انسان‌شناسانه، فوتبال به عنوان جزئی از اجزاء جهان زیسته انسان ایرانی در آمده است. آن بخش از پدیده طرفداری از فوتبال که در ورزشگاهها مشاهده می‌شود تنها بخش کوچکی از جریان کلان اجتماعی طرفداری از فوتبال را به نمایش می‌گذارد. طرفداری از فوتبال و همدلی با شکستها و پیروزیها از مرز طبقات، نسلها، جنسیت گذشته و همه آحاد جامعه ایرانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین لحاظ، زندگی با فوتبال به یک صورت از صور زندگی اجتماعی در ایران مبدل شده است. اگر بخواهیم در خصوص نحوه گذران حیات جمعی در ایران صحبت کنیم به ناچار باید نقش فوتبال و طرفداری یا مخالفت با آن را مورد اشاره قرار دهیم. تاکنون یک سریال تلویزیونی، یک فیلم سینمایی در ارتباط با نقش فوتبال در حیات اجتماعی مردم ایران در سالهای اخیر ساخته شده و در سایر آثار هنری نیز گاه و بیگاه به فوتبال اشاره می‌شود. اهمیت انسان‌شناختی فوتبال زمانی مشخص تر می‌شود که به حجم عظیم فرآورده‌های تلویزیونی توجه کنیم و اینکه شبکه سوم تلویزیون اساساً به بحث و بررسی به طور اعم پیرامون ورزش و بطور اخص پیرامون فوتبال می‌پردازد.

به لحاظ زبان‌شناسی نیز دیده می‌شود که جامعه طرفدار فوتبال، نهادها و نظامهای سمبلیک خاص خود را تولید کرده و بوسیله آن فرهنگ فوتبال و طرفداری از آن را شکل داده است. بعنوان مثال به تقابل ناموزون دو سمبل آبی و قرمز باید اشاره کرد که امروز بسیاری از جنبه‌های معناشناسی ارتباطات بین طرفداران فوتبال را شکل می‌دهد. این تقابل از آن جهت ناموزون است که دو رنگ آبی و قرمز در نهادهای سنتی زبان‌شناختی هرگز به معنای بد و خوب، زشت و زیبا، حق و باطل و ... بکار نرفته ولی به شیوه‌ای بسیار پیچیده ولی معنادار به فراخور بُرد یا باخت تیمها این معانی را از خود بروز می‌دهند*.

* به عنوان مثال رنگ قرمز مترادف با خون و رنگ آبی مترادف با رنگ آسمان در نظر گرفته می‌شود تا اهمیت و بزرگی سمبلیک آنها با تیم مورد

رنگ به شکلی ظریف تولید ادبیات فولکلور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما ویژگیهای زبانشناختی فرهنگ فوتبال صرفاً به این ختم نمی‌شود چراکه نظامهای سمبلیک رفته رفته ارتباطات بین مردم ایران را در جامعه شهری تحت تأثیر قرار می‌دهد. زمانی که بازیهای باشگاهی به اوج خود می‌رسد تعارضات بین دو تیم استقلال و پیروزی از طریق بکارگیری معانی زبان شناختی منتسب به قرمز و آبی در مکانیسم‌های ارتباطی مشهود می‌شود.* جالب آنکه طریقه نشستن در ورزشگاه، نحوه مسافرت به ورزشگاه و بازگشت از آن و شیوه ابراز طرفداری (از جمله مشارکت در خشونت‌های بعد از بازی) همگی ملهم از همین مکانیسم‌های زبانشناختی است که با کاربرد پرچمها، شعارها و حتی اتومبیل‌های علامت‌دار مشخص می‌شود. وائل (۱۹۹۵) در سطح متفاوتی نشان می‌دهد که کارکرد ارتباطاتی ورزش همانا کمک به این فرایندهای معناشناختی ارتباطاتی در تلویزیون است که نهایتاً به فرایند تحول فرهنگی مدد می‌رساند. در مطالعات فرهنگی بورديو (۱۳۷۸) ورزش و فرایندهای معناشناختی، سبک مداخله افراد در فعالیت ورزشی را می‌سازد.

اما وجه مشارکت جویانه در پدیده فوتبال شاید مهمترین وجهی است که باید به آن توجه کرد. این توجه بدان علت باید صورت پذیرد که همه ابعاد جامعه شناختی، انسانشناختی، زبانشناختی و ارتباطی باید فراهم باشند تا طرفداران بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و در ابراز گرایشات خود به تیم‌ها مشارکت کنند. از این منظر، اگر هم رفتار پرخاشگرانه‌ای صورت می‌پذیرد عمدتاً بدان علت است که اولاً تنها بخش کنشگران فعال جریان طرفداری از فوتبال به ورزشگاهها می‌آید، ثانیاً اعمال ظاهراً پرخاشگرانه نمادی مشارکت جویانه از تعارض بین آبی و قرمز می‌باشد، ثالثاً جنبه فعال کنشگرانی را تشکیل می‌دهد که با یکدیگر از طریق نمادهای مشترک، فرهنگ طرفداری از فوتبال را می‌سازند.

اگر استدلال بالا را بپذیریم، می‌توانیم در سطح نظری نتیجه بگیریم که کاهش آثار ناآرامی‌های بعد از بازیهای ملی و باشگاهی فوتبال زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که نمونه‌ای از مجموعه کامل جریانهای طبیعی و هنجاری طرفداری از فوتبال در جریان بازی‌های فوتبال به کنشگران فعال پیوندند. به عبارت دیگر، حضور در ورزشگاهها از انحصار نوجوانان و جوانان

نظر همطراز شود.

*. وائل (Whannel, 1995) به هم پیوستگی ارتباطات و ورزش را با ساخت نظام سمبلیک در پوشش خبری ورزشی نشان داده است.

زیر ۲۵ سال مرد، بیرون بیاید. اگر به بازیهایی که در سال ۱۳۸۰ در شیراز انجام شد و به خشونت گرایید توجه کنیم به خوبی مشخص می شود که تقابل معناشناختی آبی و قرمز در حالی که یکی از این دو تیم حاضر نیست، وجه نابهنجارتری را به خود می گیرد. چرا که تقابل آبی و قرمز در فرهنگ ملی معنادار و هویت ساز است در حالیکه تقابل آبی یا قرمز با یک شهرستانی فاقد این خصلت بوده و بی هنجاری رفتاری کنشگران را به نحو خشن تری بدنبال دارد.

در سطحی کلان تر می توان گفت که فرهنگ طرفداری از فوتبال از آنجا که از طریق مداخله مکانیسم های جامعه شناختی، انسان شناختی، زیان شناختی و ارتباطاتی نسل های متفاوت دختران و پسران را هماهنگ کرده است، خود به یک نیروی محرک تغییرات در حوزه فرهنگ عام تبدیل شده است. از این جهت بسیاری از حرکاتی که در حوزه کنش های اجتماعی در فرهنگ فوتبال رخ می دهد صرفاً یک جنبه از جنبه های متفاوت تغییر فرهنگی محسوب می شود. به عبارت دیگر، نسل های جدید در فرآیند تولید ارزش به آن دسته از محافل اجتماعی روی می آورند که بتوانند امر مقبول خود را به لحاظ اجتماعی تمرین کنند. بنابراین یک نوع تعامل بین تولید ارزش، فرهنگ فوتبال و فرهنگ عامه در حال رخ دادن است که نتیجه آن ایجاد تغییرات فرهنگی است. از این منظر پدیده های حاشیه ای فوتبال تنها جنبه ای از تغییرات فرهنگی - اجتماعی محسوب می شوند و نباید با آسیب های اجتماعی که جنبه جرم شناختی دارند یکسان تلقی شوند.

نتیجه گیری

آنچه بحث شد صرفاً ارائه یک رویکرد نظری (همراه با ارائه شواهدی تجربی که از مصاحبه ها بدست آمد) در باره بروز ناآرامیهای بعد از فوتبال و ارتباط آن با سطوح جامعه شناختی، انسان شناختی، زیان شناختی و ارتباطی پدیده فوتبال در ایران بود. اما درستی این رویکرد نظری بسته به کاربرد آن در یک مطالعه همه جانبه در میان بازیگران، تماشاگران حاضر در استادیوم ها و مردم عادی اعم از زن و مرد مشخص می شود. از این جهت کلیه مباحثی که در نشست مؤسسه مطالعات ارائه شده است بیشتر یک برخورد نظری را منعکس می کنند و فاقد جهت گیری تجربی اند. این امر نشان می دهد که زمینه ها برای انجام یک طرح تجربی در خصوص تجربه فوتبال در ایران آماده است.

اما در طرح نظری فوق، وجوه روانشناختی و روانشناسی اجتماعی دخیل در پدیده فوتبال

مورد توجه قرار نگرفت. بنابراین از بعد نظری هم دو زمینه برای کار فراهم است:

(۱) نقد رویکرد نظری که در اینجا ارائه شد.

(۲) دخالت دادن وجوه روانشناختی و روانشناسی اجتماعی برای تحلیل نظری پدیده

فوتبال و طرفداری از آن در ایران.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مآخذ

- بوردیو، پی‌یر (۱۳۷۸)، *ویژگی‌های ورزش‌دوستان*، در "مطالعات فرهنگی"، ویراسته سایمن دورینگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، مؤسسه فرهنگی آینده پویان، تهران، صص ۳۸۰-۳۶۱.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، *ورزش و بازی؛ فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، تهران.
- صدر، حمیدرضا (۱۳۷۹)، *روزی... روزگاری... فوتبال*، نشر آویژه، تهران.
- عنبری، موسی (۱۳۸۰)، *بررسی علل خشونت‌گرایی تماشاگران فوتبال*، جهاد دانشگاهی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- *مجله بین‌المللی فوتبال* (۱۳۸۰)، *مجله بین‌المللی فوتبال*، دوره جدید شماره یک، تهران.
- Edwards, Harry (1973) *Sociology of Sport*. Homewood: The Dorsey Press.
- Gerhart, Marcus (2002) " Sport and Civil Society in Iran," in, Eric Hooglund (ed.) *Twenty Year of The Islamic Revolution*. Syracuse: Syracuse University Press.
- Giulianotti, Richard, Norman Bonney and Mike Hepworth(eds.) (1994) *Football, Violence and Social Identity*. London: Routledge.
- Pini, Maria (1997) " Women and the Early British Rave Scene," in, Angela McRobbie (ed.) *Back to Reality: Social Experience and Cultural Studies*. Manchester: Manchester University Press, pp. 152-169.
- Snyder, Eldon E. and Elmer Spreitzer (1978) *Social Aspects of Sport*. Englewood Cliffs: Prentice-Hall Inc.
- Whannel, Garry (1995) *Fields in Vision: Television, Sport and Cultural Transformation*. London: Routledge.